

بازیگری که با موتور ۱۰۰۰ دور گرفت

هشتم آذر هم از آن روزهاست که با تاریخ معاصر ایران گره‌های ناگسستنی خورده است. روزی که نه اتفاقی سیاسی در آن افتاده، نه دارویی برای درمان بیماری‌های مهلک کشف شده، نه اختراع بزرگی در آن به ثبت رسیده... هشتم آذر روز صعود تیم ملی فوتبال ایران پس از ۲۰ سال به بزرگترین رویداد ورزشی جهان پس از المپیک است. تیم ایران، چنین روزی به سال ۱۳۷۶ خورشیدی با تساوی برابر استرالیا در میلیون، جواز صعود به ششزدهمین دوره جام جهانی را کسب کرد و این روز مصداق بازادروز بازیگر، فیلم‌نامه‌نویس و کارگردان ایرانی است. سر و شصت آذر ۱۳۴۴ خورشیدی در اصفهان دیده‌به‌جهان گشود. با پدر و مادری که اصالتاً تاتاری بودند و نام‌شناسانه‌های او نیز «سروش تاتینی» است. این اما یکی از اسرار سروش سینمای ایران است. اواسط ۱۳۵۶ صاحب‌برادر هم می‌شود. برادری به نام خشایار موحدیان! تدوین‌گر نام‌آشنا و برجسته سینمای ایران. برادری البته با نام خانوادگی متفاوت. در اصل سروش و خشایار از یک مادر بودند و این خویشاوندی البته به هیچ‌عنوان رازآلود و حاشیه‌ساز نیست. چرا هیچکس آن را انکار نمی‌کند و دو برادر روابط بسیار خوبی با یکدیگر دارند. صحت تا ۱۹ سالگی در زادگاه خود زندگی کرد و پس از قبول

شدن در دانشگاه تهران برای ادامه تحصیل رهایی تهران شد. او پس از دریافت مدرک کارشناسی شیمی کاربردی، در مقطع کارشناسی ارشد، رشته آلودگی و حفاظت محیط زیست دریا را برگزید تا فوق‌لیسانس خود را با این نام دریافت کند. سال ۱۳۷۶ و زمان تولید مجموعه تلویزیونی «جنگ ۷۷» به کارگردانی مه‌رمان مدیری، سروش صحت به تیم‌نویسندگی این سریال پیوست. سه سال پس از رنسنسی که مجموعه طنز «ساعت خوش» در سینمای ایران راه انداخت، مخاطبان سیمای ایران انتظار کاری مشابه و حتی موفق‌تر از «ساعت خوش» را داشتند. در واقع «ساعت خوش» پرچم‌دار موج نوبی سریال‌های طنز ایرانی بود. پس از آتش بس ایران و عراق در پی ۸ سال جنگ تحمیلی و لمضای قطعنامه ۵۹۸ شورای امنیت، همچنین با پایان دهه ۱۳۶۰ خورشیدی و فعل و انفعالات سیاسی اجتماعی آن دوران، افق تازه‌ای مقابل کشور ترسیم شده بود. درست در همین دوران بود که فرهنگ و هنر باید نقش خود را به خوبی ایفا می‌کرد. تولید مجموعه‌های طنز با توجه به اقبال عمومی آن‌ها از اعم رونوس برنامه‌های فرهنگی و در راس آن‌ها وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی بود. با این پیش‌زمینه پروزه بزرگ و صد البته دشوار «جنگ ۷۷» آغاز شد. صحت در جمع نویسندگان ایران مجموعه همراه ارش عرفلی، عباس فیضی، حمید برزگر و رضا کلظمی نژاد، کاری فرشته و فرسایشی را آغاز کرد که باید در ۹۰ قسمت تولید و روی آنتن شبکه ۳ می‌رفت. این پروژه هر چند نتوانست موفقیت «ساعت خوش» را تکرار کند اما با اقبال عمومی روبه‌رو شد و چهره‌هایی مانند مه‌رمان مدیری، رضا شفیعی جم، رضا عطاران، نصرالله رادش و حمید لولایی، همراه زوج نادر سلیمانی و سعید آقاخانی را پیش از پیش به مخاطبان پرشمار سیمای ایران معرفی کرد. صحت البته فقط به نویسندگی در این سریال نمی‌پرداخت بلکه اصولاً سروش صحت بازی در «جنگ ۷۷» در سیمای ایران به شهرت رسید. یک سال بعد صحت با فاصله از دنیای طنز نقشی متفاوت در فیلم درام «شراره» ساخته سیلمک شایقی رامی پذیرد اما صحت برای مطرح شدن در سینمای ایران نیاز به سرعت بیشتری داشت! پس دو سال بعد و در ۱۳۸۰ بی‌درنگ ترک موتور هزار ابوالحسن داودی می‌نشیند تا با «نان و عشق و موتور ۱۰۰۰» و بانقش آفرینی شخصیت «رزو» جوان تعمیر‌کار و یک‌بازی که شیفته «ایران» بازی بهار رهنمست، درخشش چشم‌نوازی داشت. هر چند فیلم با پیرنگی ساده و داستانی خطی روایت شد اما ریسک بالای داودی و قلم‌خاص پیمان قاسم‌خانی در گنجاندن خرده روایت‌های جذاب به موازات محور اصلی داستان، «نان و عشق و موتور ۱۰۰۰» را به فیلمی عامه‌پسند تبدیل کرد. صحت در دنیای بازیگری نیز مانند جهان نویسندگی‌اش همواره به دنبال افقی ناشناخته و جدید است. هر چند بیشتر بانقش‌های طنز در ذهن مخاطبان سینما مانده ولی همواره کوشیده بازی‌های متفاوتی از خود به نمایش بگذارد. «۵۰ کیلو و آلبالو» یکی از این فیلم‌ها بود که سال ۱۳۹۴ به کارگردانی مانی حقیقی تولید شد. هر چند صحت نقشی کوتاه در این فیلم دارد و در شخصیت «دلماد خلاق‌کار» ظاهر می‌شود اما درست با همین سکانس کوتاه نشان می‌دهد از آن دست بازیگرانی است که کمیت هیچگاه روی کیفیت کارش تأثیر گذار نبوده است. صحت در مقام کارگردان نیز اواسط دهه ۸۰ با مجموعه «چارخونه» کار خود را در سینما آغاز کرد اما اواخر این دهه بود که با مجموعه «ساختمان پزشکان» اثری موفق خلق کرد. سروش صحت طی دهه ۹۰ نیز مجموعه‌های نسبتاً موفق ساخت. «بژمان» با حضور بژمان جمشیدی و سام درخشانی آغازگر درخشش او در دهه پیش بود و «سلسله‌ها» و «فوق لیسانس‌ها» اوج کار در نیمه دوم دهه ۹۰ محسوب می‌شدند. او در مقام نویسنده بیشترین همکاری را با مه‌رمان مدیری داشته است.



صاحب امتیاز: موسسه فرهنگی هنری وصف صبا
مدیر مسئول و سردبیر: محمدرضا شفیعی

www.rooznamehsaba.com

rooznamehsaba

تهران خیابان آیت‌الله مدنی کوچه خجسته منش پلاک ۵
تلفن: ۶۰۴۲۲۲۷۷ فکس: ۷۷۵۴۸۲۴۵
چاپ: موسسه فرهنگی مطبوعاتی ایران
توزیع: نشر گستر لرروز

جدی نگیرید!

یاسر سماوات - انسان هزاره سوم، تفاوتی ندارد کجای گیتی باشد، تا آنجا اسیر روزمرگی‌ها شده که کمتر بین خود و کائنات ارتباطی فلسفی و عرفانی می‌یابد. اما چه اتفاقی برای انسان مدرن افتاده؟ چرا در روزگاری که دلش بشری با سرعتی به قاعده سرعت نور، توسعه می‌یابد و تکمیل می‌شود، او تنها تر و منزوی‌تر از هر زمانی است؟ شاید یک لحظه درنگ، یک آن در پی یک چرایی زندگی رفتن، اصلاً یک لحظه تفکر او را نجات دهد... چر آدم؟ چطور آدمم و کجایم؟ و کجایم؟ انسان دیگر با این سه پرسش خود را روبرو نمی‌بیند و این شاید اوج تراژدی او باشد. حزن انگیز تر از آنز وایش و خوفناک‌تر از تهایی‌اش. سروش صحت، کارگردان، نویسنده، بازیگر و مجری سیمای ایران، با داستانی کوتاه این گمراهی راه‌یاد می‌سازد...

خیابان کیپ کیپ بود و ماشین‌ها از جای شان تکان نمی‌خورند. مردی که عقب تاکسی نشسته بود، گفت: «این ترافیک دیگه داره دیوانه‌مون می‌کنه» زنی که کنار مرد نشسته بود، گفت: «قبلاً فقط صبح‌ها و غروب‌ها ترافیک بود، حالا دیگه همه‌اش ترافیک داریم، صبح، ظهر، عصر، شب، نصفه شب...» راننده گفت: «حالا کاش هوا خوب بود، فکر کنید همه‌اش تو ترافیک باشید، هوا هم آلوده باشه.» مردی که عقب تاکسی نشسته بود، گفت: «تازه هنوز اول آلودگیه، بذارید زمستان بشه دیگه نفس نمی‌تونیم بکشیم.» زنی که عقب تاکسی نشسته بود، گفت: «خدا بهمون رحم کنه» مرد میلسانی که جاوی تاکسی نشسته بود، به بیرون خیره شده بود و انگار صدای بقیه مسافری تاکسی را نمی‌شنید. زنی که عقب تاکسی نشسته بود از مردی که جلو نشسته بود و بیرون رانگاه می‌کرد، پرسید: «شما رو ترافیک و آلودگی هوا اذیت نمی‌کنه؟» مرد لحظه‌ای مکث کرد و بعد گفت: «من دو تا توده توی ریه و طحالیم پیدا شده، دارم میرم جواب آزمایش هاش رو بگیرم، ببینم چیه.»



شما معتبر هستید شماره معتبر بخرید

فروش ویژه شماره‌های خاص اعتباری و دائمی تا ۴۰٪ تخفیف

از طریق shop.mci.ir و تمامی مراکز فروش و خدمات همراه اول



www.mci.ir